

حریزوهی

به اهتمام مرحوم ابوالفضل زریں صرآباد
و تنظیم و تصحیح نسیم عرب‌امیری
و با مقدمه سیدمهدی شجاعی

زرویى نصرآباد، ابوالفضل.
خرپژوهى. به اهتمام ابوالفضل زرویى نصرآباد.
تهران: كتاب نيستان، ۱۳۹۸.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۶۶۳-۳
شعر فارسى. مجموعه‌ها. الاغها. شعر.
الاغها در ادبيات.

PIR ۴۰۳۰

۸۶۱ / ۰۰۸

۵۷۵۰۸۹۵

خرپژوهى
به اهتمام ابوالفضل زرویى نصرآباد
طرح جلد: فرزاد ادیبى
كتاب نيستان
چاپ اول ۱۳۹۹ ۸۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۶۶۳-۳
چاپ و صحافى: سپيدار
نيستان: ۲۲۶۱۲۴۴۳-۵
۵۵۰۰۰ تومان
ارتباط با شما ۳۰۰۸۵۵۲
www.neyestanbook.com

فهرست

مقدمه ♦ ۷

حکایات و لطایف نظم ♦ ۱۳

حکایات و لطایف نثر ♦ ۱۷۵

منابع ♦ ۲۷۲

بیا سوته دلان گرد هم آئیم
 سخن‌ها واکریم غم و انمائیم
 ترازو آوریم غم‌ها بسنجیم
 هر آن سوته‌تریم وزین‌تر آئیم

فرض کنید که چند هنرمند حسه و شایسته و دل‌سوخته، بی‌قرار قلبی، گوشه‌ای جمع شده‌اند که دور هم غصه بخورند و حسرت بکشند.

آدم‌هایی که هر کدام در عرصه فرهنگ و هنر ژنالی کارگشته و پرتجربه و توانمند و حاضر به یراق‌اند. اما به این دلیل که کار به دست سربازان کارنابلد و خام و بی‌تجربه و ناتوان و بعضاً عقب‌افتاده، افتاده کنار گذاشته شده‌اند یا کناره گرفته‌اند.

در این جمع محدود و محدود هر کسی از هنر و نبوغ و خلاقیت نه‌ای تجربه دیگری داد سخن می‌دهد و قیاس مع‌الفارقش می‌کند با شعبده‌بازان سیاد و بی‌سواد که میدان‌دار عرصه فرهنگ و غیر آن شده‌اند و هنری جز تحمیق و استحمار خلاق ندارند.

و در آن میان یکی - و چه فرق می‌کند که کی - باور قلبی‌اش را در مورد نبوغ و هنر و توانمندی ابوالفضل زرویی بر زبان می‌آورد.
 کسانی که از خواندن درست دو بیت شعر یا نوشتن دو خط تحقیق و پژوهش

عاجزند بر کسانی مثل ابوالفضل زرویی حکم می‌رانند که اگر اراده کند در مدح شعبان بی‌منع شاهنامه می‌سراید و اگر دست به تحقیق و تتبع ببرد در مورد نازل‌ترین حیوان مثل خر و گاو هم، چند هزار صفحه تحقیق و پژوهش علمی و استاندارد تحویل می‌دهد.

اگر ما ساکن محله قدیم بودیم که مردمانش قائل به ربط بودند، باید اینجا می‌گفتم که این نمط بدان بافتم که... بگویم تکوین این کتاب محصول گاه هم‌آیی همین سوتهدلان مذکور بوده است که در ددل‌ها و گفت‌وگوهایشان از بی‌ایفتی مدیران و مسئولانمان - بخصوص فرهنگی - شروع شده و در نهایت به تدوین کتاب خریزومی انجامیده است. - و خداوند را هزار کرور شکر که ما قائل به ربط هستیم -

پس، از آن فرس که در ابتدای مقدمه، تقاضای اعمال آن را کرده‌ام، یک ابوالفضل زرویی‌اش را و نیز تعارف و تعریف در مورد او را نگه دارید و باقی‌اش را به بایگانی مفروضات بسپارید.

و فکر کنید که مرحوم ابوالفضل زرویی نصیب باد بدون هیچ مقدمه‌ای و دل‌خوری و تکرار خاطری از مسئولین امر تصمیم گرفته که به پژوهشی عظیم پیرامون خر - بما هو خر - بپردازد.

و این پژوهش طی چندین سال به چند هزار صفحه، مطالب عمیق و دقیق و قابل تامل رسیده است. با سر فصل‌هایی از قبیل:

- خر در ادیان و کتب آسمانی
- خر در افسانه‌های ملل مختلف
- خر در تمثیل‌ها، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها و فرهنگ و ادبیات بسیاری هر منطقه از جهان.
- خر در ادبیات کهن ایران
- خر در ادبیات کهن کشورهای مختلف جهان
- خر در ادبیات معاصر ایران و جهان
- خر در زمان پارینه سنگی
- بررسی خصوصیات جسمی و فیزیکی خر در آفرینش

- بررسی خصوصیات روحی و روانی خر در خلقت
- بررسی شخصیت خر به عنوان یک نماد و سمبل در فرهنگ عامه و کاربرد آن در هنر و ادبیات
- خر در یونان باستان
- خر در دوره رنسانس
- نقش خر در جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای
- نقش خر در اقتصاد انسان‌های اولیه
- نقش خر در تبادل فرهنگی میان ملل مختلف (به عنوان رایج‌ترین و به عرغه‌ترین وسیله حمل و نقل و ترانسفر مسافران)
- نقش خر در فرآیند بازار بورس
- مشاهدات علمی از مختصات خر برای اداره کشور
- تصور نمادنگ جهانی بدون خر
- فرضیه شدت‌انرژی‌پر استن خر (با استفاده و استمداد از پژوهش‌ها و پیمایش‌های مختلف که پیش از این در مورد حیوانات دیگر انجام شده و نتایج حاصله از آن به جامعه بشری ارائه گردیده)
- فی‌المثل، پژوهش و پیمایشی که با همین محور توسط پژوهشگران جهان در مورد گربه انجام شده و محصول آن به جزترین شکل ممکن بر تارک تاریخ و احیاناً سر در سازمان ملل ثبت گردیده:
- گربه مسکین اگر پر داشتی
- تخم گنجشک از جهان برداشتی
- ... بگذریم
- از یک‌سو جاذبه و از سوی دیگر تعدد و تکرر عناوین، ما را از مسیر اصلی بحث منحرف می‌سازد.
- باری از فرض اولیه این مکتوب صرف نظر کرده بودیم و سوار بر حمار فرضی دیگر می‌تاختیم و پیش می‌رفتیم.
- ادامه فرض دوم:
- حالا چهره نجیب و متواضع ابوالفضل زرویی را تصور کنید که با چند هزار صفحه مطالب متنوع و مستند حول محور خر - محصول چند سال کار پژوهشی - در

دفتر انتشارات نیستان، مقابل من نشسته و در مقابل دهان باز و چشم‌های از حدقه درآمده و شاخ‌های بر سر برآمده من، جوری از این محصول بی‌نظیر حرف می‌زند که انگار چند سطری است که در طول مسیر منزل تا نیستان، سردستی از روی کتابی یادداشت کرده.

و در مقابل این اثر اعجاز مانند و آن تواضع بی‌مثل و مانند، از من چه کاری برمی‌آید جز اینکه تمام‌قد از جا بلند شوم و به آن سوی میز بروم و با همه دلم سر صورتش را غرق بوسه کنم. و بعد برگردم و سر جای خودم بنشینم و به بورق مطالب پردازم و ذکر احسنت و ماشالله و حبذا و دست مریزاد بگیرم. و ناگهان با دامن عرق بی‌جای خجالت که از شقیقه‌های ابوالفضل به پایین صورت سردرین در کام بگیرم و در سکوت، این عمارت مجلل را سیاحت کنم.

و در پایان این جلد به میراث و دانشین قرار بر این می‌شود که ابوالفضل مجموعه را برای سامان‌دهی نهایی و آخرین فهرست و ملحقات و نیز تکمیل و افزودن برخی عناوین از مطالب که فیش‌برداری شده ولی هنوز در جای خود ننشسته، با خود ببرد ولی تا تنقیح نهایی کل اثر صبر نکند، بلکه به محض آماده شدن هر مجلد آن را برایم بفرستد تا حروف‌چینی و صفحه‌آرایی و مقدمات چاپ و انتشار آن به موازات تکمیل مجلدات بعدی پیش برود.

اما این کتاب که اکنون پیش روی شماست بخش بسیار کوچکی از آن اثر پژوهشی عظیم و ارجمند و بی‌مانند است. و آنقدر کم و کوچک است که می‌شود گفت هیچ ربط و نسبتی با آن کار بزرگ و کارستان ندارد.

ممکن است بپرسید که: خب! پس بقیه آن محصول عظیم کجاست؟ متأسفانه این سوال اگرچه سوالی به جا، طبیعی و منطقی است. اما اصلاً سوال خوبی نیست.

چرا که مفقود شدن یا به سرقت رفتن باقی اثر، و پیگیری‌های مستمر و بی‌انقطاع و حسرت‌بار من و جستجو و تفحص جان‌فرسا و ناکام ابوالفضل را

تداعی می‌کند.

امیدوارم که از این چند جمله اخیر، به هیچ‌وجه بوی قطع امید استشمام نشود. بنده به دو دلیل - اصلی و فرعی - یقین دارم که مابقی این اثر نفیس دیر یا زود پیدا و به حله طبع آراسته خواهد شد. دلیل اصلی اتکا، به این وعده خداست که می‌فرماید: فاصبر! فان الله لا یضیع اجر المحسنین.

و دلیل فرعی؛ باورم به روح پر فتوح مرحوم ابوالفضل زرویی است که هم اکنون در تمام باقی اشرافی گسترده‌تر و چشمی بیناتر و دستی تواناتر دارد و... و اما اثر با استناد به آثار علمی، ادبی و هنری گم شده در تاریخ و ارائه شواهد مفقوده، بپرسد که پس چرا آن آثار به کلی... در پاسخ به این سوال باید عرض کنم که: آه! چند حرف می‌زنید! به جای طرح این سوالات بیهوده و ضرب نفوس بد، دعا کنید که مایه اثر برچه زودتر پیدا شود و به دستمان برسد. به گمانم جسارت شد. عذرخواهی می‌کنم. من قصد داشتم فقط جمله دعا کنید... را بگویم.

عذرخواهی مرا بپذیرید و دو جمله قبل از آن را از جنس جمله «آرد نماند» در کتاب چهار مقاله عروضی تلقی کنید. شما که از ابتدا تا اینجا این همه در بخش مفروضات و تلقی‌جات با این حقیر همراهی کردید، این را هم با موارد قبلی حساب کنید.

۱. آورده‌اند که: یکی از دبیران خلفای بنی‌عباس به والی مصر نامه‌ای می‌نوشت و خاطر جمع کرده بود و در بحر فکرت غرق شده و سخن می‌پرداخت چون دُرِ ثمین و ماء معین. ناگاه کنیزکش از در آمد و گفت: «آرد نماند.» دبیر چنان شوریده طبع و پریشان‌خاطر گشت که آن سیاق سخن از دست بداد و بدان صفت منفعل شد که در نامه بنوشت که: «آرد نماند» چنان که آن نامه را تمام کرد و پیش خلیفه فرستاد و از این کلمه که نوشته بود هیچ خبر نداشت. چون نامه به خلیفه رسید و مطالعه کرد چون بدان کلمه رسید حیران فرو ماند و خاطرش آن را به هیچ حمل نتوانست کرد که سخت بیگانه بود. کس فرستاد و دبیر را بخواند و آن حال باز پرسید. دبیر خجل گشت و براستی آن واقعه را در میان نهاد. خلیفه عظیم عجب داشت و گفت: «دریغ باشد خاطر چون شما بلغا را به دست غوغای مایحتاج باز دادن.» و اسباب ترفیه او چنان فرمود که امثال آن کلمه دیگر هرگز به غور گوش او فرو نشند.